

ترجمه متن درس "هفتم"

ادیسون أَحَبَّ الكِيميَاءَ فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ

ادیسون شیمی را دوست داشت پس آزمایشگاهی کوچک در خانه

اش ساخت

أَحَبَّ: دوست داشت

کیمیاء: شیمی

فَصَنَعَ: پس ساخت

مُخْتَبَرٍ: آزمایشگاه

و بَعْدَ مَدَّةٍ قَدَرَهُ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيميَاءِ وَ الْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ؛

و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را

بخرد؛

قَدَرَهُ عَلَى شِرَاءِ: قادر شد بر خریدن، توانست بخرد

أَدَوَاتِ: ابزارها

و بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْئُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ

و پس از تلاش های بسیار مسئول یکی از قطارها شد

مُحَاوَلَاتِ: تلاش ها

صَارَ: شد

👉 أخذ : یکی از ، کسی

✅ و قَدَرَ عَلَى شِرَاءِ آلِهِ طِبَاعَهُ

👈 و توانست دستگاه چاپی بخرد

✅ و وَضَعَهَا فِي عَرَبِيَّةِ الْبُضَائِعِ

👈 و آن را در واگن کالاها گذاشت

👉 وَضَعَهَا : گذاشت آن را

✅ وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ

طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ

👈 و در پانزده سالگی اش یک روزنامه هفتگی نوشت (هفته نامه ای

نوشت) و آن را در قطار چاپ کرد

✅ السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ :

👈 سال پانزدهم از عمرش ، پانزده سالگی اش

👉 صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً : روزنامه هفتگی (هفته نامه)

👉 طَبَعَهَا : چاپ کرد آن را